

نقد و بررسی نقش ماهواره‌ها بر حق سلامت معنوی کودک و ارائه راهکار

تأیید: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

انیس اسدی^۱

فائزه عظیم‌زاده اردبیلی^۲

چکیده

شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای از مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده دشمنان معنویت، دین و آزادی در جهان محسوب می‌شوند که با هدف تأثیرگذاری بر باورها، افکار و رفتار دین‌داران، ترویج منش و فرهنگ غربی، سکولاریسم و زمینه‌سازی برای پذیرش حاکمیت و برتری آنان بر جهان راه‌اندازی شده‌اند. بهره‌گیری از فن‌آوری‌های پیشرفته در برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و افزایش جذابیت‌های آنان، موجب روی آوردن کودکان و نوجوانان به رفتارها و ناهنجاری‌های متضاد با ارزش‌های جامعه خویش شده است. کشورهای غربی از طریق این برنامه‌ها، ابعاد مختلف هویت دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... فرزندان ما را هدف قرار داده‌اند؛ اما مهم‌ترین بُعد، هویت دینی است که سایر ابعاد را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگرچه کشورهای غربی این اهداف را در همه کشورها تعقیب می‌کنند، اما بر کشورهای مستقل و دارای پیشینه تمدنی شرقی، بالاخص بر کشورهای مسلمان تمرکز ویژه‌ای دارند. پرسش‌های اساسی این پژوهش، مبتنی بر این است که آثار و پیامدهای ماهواره بر سلامت معنوی کودکان چیست؟ و با توجه به این‌که با تزلزل بنیان خانواده، سلامت روان و بالتبع سلامت معنوی کودک نیز به‌خطر می‌افتد، تأثیر ماهواره در این امر مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت، راهکارهایی جهت جلوگیری از به‌خطر افتادن سلامت معنوی کودکان که حفظ آن از حقوق فرزندان و تکالیف والدین و جامعه است، ارائه می‌گردد. در این پژوهش، با روش اسنادی - کتابخانه‌ای و هم‌چنین با تحلیل محتوا، این نتایج حاصل شد که استفاده از برنامه‌های ماهواره تأثیری منفی در هویت دینی افراد به‌ویژه کودکان داشته و موجب می‌گردد، افراد در برابر شرایط جدید دست‌کم دچار رکود در هویت دینی شده و هویت سابق را به نفع هویت برآمده از شرایط و سازوکارهای جدید کنار بگذارند یا دچار تغییرات و تحولاتی نمایند. بنابراین، ضرورت دارد که خانواده و جامعه، استفاده از ماهواره را منع کنند.

واژگان کلیدی: رسانه جمعی، ترویج فحشا، سلامت معنوی، سلامت روان، ماهواره، کودک.

^۱. استاد گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران، a.asadi@isu.ac.ir

^۲. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، azimzadeh@isuw.ac.ir

مقدمه

عصر حاضر، روزگار ارتباطات است و رسانه‌ها با انتقال اطلاعات جدید و مبادله عقاید و افکار عمومی، نقش بزرگی در فرهنگ‌سازی و هنجارآفرینی جوامع برعهده دارند؛ به گونه‌ای که اگر رسانه به نحو صحیحی در راستای فرهنگ جامعه فعالیت کند، می‌تواند منجر به ارتقای ارزش‌های انسانی گردد و از وقوع بسیاری معضلات و جرایم در جامعه پیشگیری نماید و بالعکس، اگر محتوای رسانه‌ها بدون کارشناسی و هدف‌گذاری مثبت تنظیم شود، آثار منفی کثیری بر جامعه می‌گذارد و موجب وقوع جرایم و انحرافات اجتماعی می‌شود. امروزه با گسترش فضای مجازی و فعالیت رسانه‌هایی چون شبکه‌های فرامرزی ماهواره‌ای، بی‌بندوباری در جوامع به سرعت افزایش می‌یابد و موجب انحرافات و مشکلاتی مانند فرار از خانه، اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد جنسی و روابط نامشروع، اختلافات خانوادگی، طلاق و ازهم‌پاشیدگی خانواده، فشارهای روحی و بعضاً حتی خودکشی می‌گردد. بنابراین، بررسی آثار و پیامدهای این مسئله و ارائه راهکارهایی جهت کاهش آثار نامطلوب استفاده از ماهواره که موضوع این تحقیق است، امری ضروری می‌باشد.

۱. بیان مسئله

رسانه در انتقال افکار و اطلاعات، علاوه بر تأثیرات مثبت، می‌تواند با تبلیغ جرم و فساد، خشونت و هرزگی، موجب افزایش انحرافات و جرایم در جامعه گردد که این تأثیرات بر کودکان عمیق‌تر است. در نگاه جرم‌شناسانه، یکی از تأثیرات منفی رسانه، شیوع بی‌بندوباری در جامعه است که در چند دهه اخیر با گسترش رسانه‌های جهانی و خارج از کنترل دولت‌ها مانند ماهواره و اینترنت، این معضل در جامعه مصادیق بیشتری یافته است. شبکه‌های ماهواره‌ای، تأثیرات فرهنگی، اعتقادی و رفتاری بر کودکان و نوجوانان دارند. هم‌چنین با توجه به این‌که سلامت معنوی یکی از فاکتورهای سلامت روان و حفظ آن از تکالیف والدین و جامعه است، این تحقیق، مصادیق و تأثیرات انواع تهاجمات ماهواره را بر تخریب سلامت معنوی و روانی کودکان بیان و اثبات کرده و راهکارهایی جهت جلوگیری از به خطر افتادن آن ارائه می‌دهد. پرواضح است، والدین نقش بسیار مهمی در تربیت فرزند عهده‌دار هستند و از آن‌جا که تأدیب فرزند از اهم وظایف آنان محسوب می‌شود، لازم است بیش از پیش به این امر مهم توجه گردد. چنان‌که در جامعه مشاهده می‌شود، بسیاری از والدین به جهت اعمال روش‌های تربیتی نادرست و هم‌چنین تجاوز از حدود شرعی و

قانونی، فرزندان خود را از تربیت صحیح محروم می‌نمایند. حال کودکان به واسطه محدودیت‌های طبیعی و اجتماعی خویش علاوه بر والدین، به حمایت قانون‌گذار و جامعه هم نیازمند هستند؛ به این دلیل که بیش از سایر اقشار جامعه آسیب‌پذیر بوده و خطرهای جسمی، روحی و تربیتی آن‌ها را تهدید می‌نماید، قانون‌گذار، والدین و سازمان‌های بین‌المللی باید از حقوق آنان دفاع و امکان اجرای مطلوب و هم‌چنین ضمانت اجرای آن را فراهم آورند. بنابراین لازم است به بُعد حقوقی تربیت فرزند و حمایت از وی، از جمله حق سلامت معنوی نیز پرداخته شود.

۲. روش تحقیق

در پژوهش حاضر، حجم عمده‌ای از اطلاعات و داده‌ها از منابع معتبر و دست اول به دست آمده است. روش گردآوری اطلاعات اسنادی - کتابخانه‌ای و نوع پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. تجزیه و تحلیل به عنوان فرآیندی از روش علمی، یکی از پایه‌های اساسی هر روش تحقیقی است و از آن‌جا که پژوهش حاضر از رویکردی کیفی بهره می‌برد، لذا در مقام بررسی داده‌ها نیز باید از روش متناسب تحلیل کیفی استفاده نماید. بنابراین، با بررسی کتب و مقالات فقهی، تفسیری، روان‌شناسی و جامعه‌شناختی، به تحلیل و تبیین پیامدهای نامطلوب ماهواره‌ها در سلامت معنوی کودکان پرداخته شده است.

۳. پیشینه تحقیق

مجموعه آثار متنوع چاپ شده مرتبط با موضوع پژوهش، به سه دسته کلی قابل تقسیم است:

۱. آثاری که به رفتارشناسی کودک و چگونگی تربیت وی پرداخته و رفتارهای وی را از منظر روان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهند؛ همچون کتاب‌های «تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان (کرومبولتز، ۱۳۸۳)» و «کودک، تربیت، زندگی (کریمی، ۱۳۸۷)» و یا پژوهش‌هایی که صرفاً به بحث حق تربیت فرزند پرداخته‌اند؛ مانند مقالات «تربیت کودک از نگاه نبوی ﷺ» (محمدی نویسی، ۱۳۸۷) و «گستره حق والدین بر تربیت کودک (پورعبدالله، حسینی و سیار، ۱۳۹۲)».
۲. آثاری که به بررسی خشونت در رسانه‌ها و تأثیر آن بر زندگی کودکان پرداخته‌اند؛ مثل «جنگ تلویزیونی برای کودکان (حسینی، ۱۳۸۵)» و «کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی (شفقتی، ۱۳۸۰)».

۳. آثاری نیز با هدف حق انگاشتن دسترسی کودکان به فضای مجازی و رسانه‌ها جهت دستیابی آنان به طیف گسترده‌ای از اطلاعات نگاشته شده‌اند؛ همچون مقالات «حق دسترسی

کودکان به فضای مجازی از منظر حقوق داخل و بین الملل (صفاری‌نیا، ۱۴۰۱) و «حق دسترسی به اینترنت و فضای مجازی با تأکید بر مبانی این حق برای کودکان و نوجوانان در راستای سبک زندگی اسلامی (فرجی، ابوییه، بهنیافر، ۱۴۰۱)».

در پژوهش حاضر، با توجه به تأثیرات فراوان رسانه‌های جمعی بر فرهنگ و ساختارهای اجتماعی و نقش پررنگ‌تر برنامه‌های ماهواره‌ای در تحول فرهنگی، دینی جامعه، که موجب بروز چالش بحران هویت یا حتی بی‌هویتی و افول فرهنگ شده و سبک زندگی خاصی را اشاعه می‌دهد، نقش ماهواره بر سلامت معنوی و هویت دینی کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. از آن‌جاکه رسیدن به آسایش، نشاط و سلامت روانی در دنیا در سایه‌ی توجه به سلامت معنوی در کنار سلامت جسمی حاصل می‌شود، و حفظ سلامت معنوی کودکان نیز از تکالیف والدین و جامعه است، با تأکید بر حمایت‌های حقوقی از وی، راهکارهایی جهت حفظ سلامت معنوی کودکان که از طریق ماهواره تهدید می‌شود، ارائه می‌گردد؛ این درحالی است که پژوهش‌های سابق به‌طورخاص، نقش ماهواره‌ها را در مخدوش نمودن سلامت معنوی کودکان مورد مذاقه قرار نداده‌اند.

۴. مبانی مفهومی و نظری

۴-۱. رسانه‌های جمعی:

به هر وسیله‌ای که خبر یا مطلبی را به اطلاع مردم می‌رساند، رسانه می‌گویند (عمید، ۱۳۹۰، ص ۸۹۷). رسانه‌های جمعی یا گروهی، عبارت است از مجموعه وسایل ارتباطی که بیشتر اوقات، ارتباطی یک‌سویه را دنبال می‌کنند و شامل تمام ابزارهای غیرشخصی ارتباط که بدان وسیله پیام‌های بصری و یا سمعی مستقیماً به مخاطبان انتقال می‌یابند، همچون تلویزیون و رادیو هستند (گولد، کولب، ۱۳۹۲، ص ۴۳۷). هم‌چنین رسانه‌های چاپی نیز دسته دیگری از رسانه‌های گروهی هستند. امروزه به‌علت گسترش استفاده روزافزون از اینترنت، رسانه‌های برآمده از فضای اینترنت جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند؛ این رسانه‌ها مثل سایت‌های اینترنتی و خبرگزاری‌ها، امکان تعامل مخاطب را نیز فراهم می‌کنند و این امر امکان شناسایی نیازهای واقعی مخاطب را برای صاحبان این‌گونه رسانه‌ها فراهم می‌سازد. دنیس مک کوایل در رابطه با صددرصدی نبودن تأثیر رسانه‌ها، می‌گوید: «ترکیبی از تحلیل محتوای برنامه‌های حزبی، شواهد مربوط به تغییر عقیده در طول زمان در میان گروه خاصی از مخاطبین، تحلیل محتوای نشانگر توجه رسانه به موضوع‌های مختلف در

دوره‌های مرتبط و نشانه‌ای از استفاده مناسب مخاطبان مورد نظر رسانه‌هاست» (مک کوایل، ۱۳۸۸، ص ۳۸۸). رسانه‌ها کارکردهای زیاد تبلیغی، رهبری و راهنمایی دارند که این کارکرد در بیداری و ارشاد افکار عمومی، امری واضح بوده و هر روزه بر اهمیت آن افزوده می‌شود (معمدنژاد، ۱۳۸۶، صص ۸-۵).

۲-۴. سلامت معنوی:

به "حق بر سلامت" در ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۵ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی و هم‌چنین اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره گردیده است. این قوانین، بهره‌مندی از بالاترین استاندارد سلامت جسمی و روانی را به رسمیت شناخته‌اند. از آن‌جا که مذهب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل سلامت روان محسوب می‌شود، در این پژوهش به حق سلامت معنوی کودکان پرداخته شده است. معنوی در لغت به معنای حقیقی و باطنی (معین، ۱۳۸۶، ص ۴۲۴۴)، یا غیرمادی (عمید، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱۴) است. سلامت معنوی، به وضعیتی معنادار و هدف‌مند از حیات انسانی و حاصل ایمان و اعتقاد و ارتباط فرد به قدرت و کمال لایتناهی الهی و زندگی ابدی پس از مرگ گفته می‌شود. سلامت معنوی منجر به ایجاد امید، نشاط، رضایت‌مندی، آرامش، اطمینان قلبی و داشتن قلب سلیم در فرد و رستگاری در دنیا و آخرت شده و ارتباط پویای مبتنی بر مکارم اخلاق، محبت و عشق با خود، دیگران و جهان پیرامون را ایجاد می‌کند. در واقع می‌توان از سلامت معنوی به‌عنوان راهبردی موفق و کمک‌کننده به انسان در همه مراحل و حوزه‌های زندگی نام برد. در پژوهش‌های علمی، وجود رابطه بسیار قوی بین مذهب و سلامتی ثابت شده که نشان‌دهنده اهمیت سلامت معنوی است. معنویت عامل مهمی در فرآیند معالجه بیماران محسوب می‌شود. زندگی مبتنی بر مکارم اخلاق و قلب سلیم و عشق به مبدأ متعالی و مخلوقاتش و اعتقاد به جاودانگی انسان پس از مرگ که از نظر قرآن، خود یک خلقت جدید است، سلامت معنوی را برای فرد، خانواده، جامعه و جهان ایجاد خواهد نمود. سلامت معنوی در هر فرهنگ به‌طور خواسته یا ناخواسته در چارچوب ساختار معنوی آن فرهنگ تعریف می‌شود (عباسی، ۱۳۹۳، ص ۴۲). برخی از نویسندگان، با نگاهی فراتر به سلامت معنوی، آن را معطوف به همه زندگی انسان می‌دانند (مرزبند و زکوی، ۱۳۹۱، ص ۷۸).

۵. تحلیل محتوا

۱-۵. مصادیق و انواع تهاجمات ماهواره‌ای در تخریب سلامت معنوی

ماهواره در انتقال دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها نقش موثر و مهمی دارد که منجر به شکل‌گیری و تغییر شناخت‌ها، ارزش‌ها، عقاید و رفتار جوامع می‌شود. در حقیقت مشاهده زیاد تلویزیون و ماهواره، نگرش و تفکری را پرورش می‌دهد که با این رسانه‌ها هماهنگ است نه با واقعیت. ماهواره در افراد تصویرسازی‌های خاص ذهنی به‌وجود می‌آورد و این دو در جایگاه مهم‌ترین رسانه‌های تصویری، آثار بلندمدتی را در نگرش و دیدگاه بینندگان از جمله کودکان ایجاد می‌کنند.

به همین خاطر، افراد با مصرف رسانه‌ای بیشتر، به سبک‌های زندگی نمایش داده شده در رسانه‌های دیداری و شنیداری نیز گرایش افزون‌تری دارند. حال آن‌که امروزه برنامه‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای حاوی محتوایی است که در آن پایبندی و وفاداری به خانواده و ارزش‌های اخلاقی، عوامانه و مضحک به‌نظر می‌رسد! و می‌توان گفت، تضعیف ارزش‌های سنتی و گاه تضاد ارزشی در بین زوجین به‌دلیل تغییر ارزش‌ها، احتمال نابهنجاری‌های مختلف از جمله طلاق را افزایش می‌دهد که تأثیرات منفی بسیاری بر فرزندان خواهد گذاشت.

از دیگر اثرات غیرمستقیم ماهواره، تقلیل دین‌داری اشخاص است. قرار گرفتن در معرض مدرنیته و شاخصه‌های آن از جمله عقلانیت، مصرف‌گرایی، فردگرایی و... همواره تغییراتی در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگ و نگرش دینی به‌دنبال دارد. از آن‌جا که یکی از مؤثرترین و پراهمیت‌ترین دوران زندگی آدمی، کودکی است که شخصیت فرد در این دوران شکل می‌یابد، بنابراین توجه به کودکان باید از همان بدو تولد، همه ابعاد جسمی، روانی، عاطفی، شخصیتی و معنوی را دربر گیرد. اغلب اختلالات و تنش‌هایی که در بزرگسالی ظاهر می‌گردد، ناشی از بی‌توجهی به دوران کودکی اشخاص است. اگر در دوران کودکی از لحاظ معنوی به کودک توجه نشود، تأثیرات آن در بزرگسالی دیده خواهد شد. عوامل به‌خطر افتادن سلامت معنوی افراد و هویت دینی آن‌ها عبارت‌اند از: تغییر در سبک زندگی و جامعه‌شناسی دینی افراد، افزایش بی‌بندوباری و... که تمام این‌ها از همان کودکی می‌تواند منجر به انحرافات دینی و اخلاقی شخص گردد.

۱-۱-۵. نقش و تأثیر ماهواره بر روی سبک زندگی

در جهان کنونی، فرآیند ارتباط جمعی با واسطه صورت می‌پذیرد؛ این واسطه‌ها که همان رسانه‌ها هستند، افراد را در فضایی نمادین و متفاوت گرد می‌آورند و به این صورت کلیتی به نام مخاطبان رسانه‌ها را تشکیل می‌دهند. برنامه‌های ماهواره، جایگاه بروز تحول در فرهنگ هستند و به صور مختلف بر فرهنگ و سبک زندگی تأثیر می‌گذارند. به بیان دیگر، افراد تحت تأثیر ماهواره به سلیقه‌ها و روش‌های زندگی خود شکل می‌دهند. در واقع، بین میزان تماشای برنامه‌های ماهواره و سبک زندگی مادی و فرهنگی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. ارزش‌ها، عادات و رفتارها که بنیادهای سبک زندگی را تشکیل می‌دهند، سازنده هویت شخصی افراد هستند، از سوی دیگر به دلیل کارکردهای اجتماعی رسانه‌های جمعی (و در این بین ماهواره)، نقش رسانه‌ها در به تصویر کشیدن و نشان دادن سبک زندگی و تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی بر عقاید، ارزش‌ها و رفتارها، آشکار است. رسانه‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی، عهده‌دار انتقال میراث اجتماعی و فرهنگی و ارزش‌های جوامع هستند. امام راحل علیه‌السلام رادیو و تلویزیون را معلمان جامعه و به مثابه دانشگاه عمومی در نظر می‌گرفتند؛ بنابراین بزرگترین خدمت رسانه به مردم، تربیت آنان در همه حوزه‌ها است. ایشان در بیان وظیفه مهم و خطیر رسانه‌ها فرموده‌اند: «آن‌که از همه خدمت‌ها بالاتر است، این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد؛ و این به عهده مطبوعات است، مجله‌هاست، رادیو و تلویزیون است، سینماهاست، تئاترهاست؛ این‌ها می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمت‌شان ارزشمند باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۸، ص ۴۹۸).

یکی از مسائل مهم در فرهنگ مادی و اقتصادزده غرب، تولید و مصرف افراطی است. افراط در مصرف که خود به‌صورت یک هدف درآمد، باعث کشاندن افراد به این فراگرد شده و با اعمال فشار، آن‌ها را دچار انواع مضیقه‌ها کرده است (کازنو، ۱۳۶۵، ص ۱۶۹). به‌دنبال این وضعیت، روحیه مصرف‌گرایی بر روحیه قناعت در میان ملل جهان سوم نیز غلبه پیدا کرده است. امروزه ماهواره قدرت فرهنگی عظیمی را دربر دارد که تأثیر شگرف و بسیاری بر تصمیم‌گیری‌ها و سبک زندگی افراد می‌گذارد و جهت‌گیری جامعه‌شناسی معاصر به‌سمت پذیرش اهمیت رو به افزایش حوزه مصرف و فعالیت‌های سبک زندگی در شکل دادن به هویت جمعی و شخصی است (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹).

۲-۱-۵. نقش و تأثیر ماهواره در جامعه‌پذیری افراد

محیط خانوادگی عامل قطعی مؤثر در ایجاد شرایط سازنده‌ای است که گرایش‌ها و ارزش‌های شخصی را شکل می‌دهد. بخش مهمی از این فرآیند، در درون خانواده به صورت عمدی و آگاهانه صورت می‌پذیرد؛ ولی بخش زیادی از آن کاملاً ناخودآگاه است. الگوهای کنش متقابل اجتماعی درون خانواده، ممکن است، مدل‌های ناخواسته را برای شکل‌گیری شخصیت و رفتار بعدی کودکان در زمان بلوغ و نوجوانی فراهم سازد. اگر جامعه‌پذیری، فرآیندی باشد که نسل‌های مختلف جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، «خانواده» از عوامل عمده اجتماعی شدن از دوران کودکی تا نوجوانی و بعد از آن است که به صورت سلسله مراحل پی‌درپی تکامل و رشد، نسل‌ها را به یکدیگر مربوط می‌سازد (طالبان، ۱۳۷۸، ص ۳۰). بنابراین بدون شک، مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری، خانواده می‌باشد. نقش بسیار مهم و ضروری والدین در جامعه‌پذیری فرزندان، یک امر بدیهی است؛ چرا که نگرش‌ها و ارزش‌ها را به آن‌ها منتقل می‌کنند و از طرفی یادگیری کودکان نیز از بدو تولد آغاز می‌شود. در گذشته خانواده عمدتاً به‌عنوان تنها نهاد کارگزار جامعه‌پذیری شناخته می‌شد، ولی در جوامع امروزی با توجه به تغییرات و تحولات صورت‌گرفته، رقیبان عمده‌ای در کنار خانواده برای جامعه‌پذیری نظیر رسانه‌های ارتباط جمعی، نظام آموزشی و غیره پیدا شده‌اند که نشان می‌دهد، امروزه خانواده حتی در امر اجتماعی کردن کودکان خود نیز آزادی عمل ندارد و به علت وجود تلویزیون در اکثر منازل، کودکان از سنین پایین جذب برنامه‌های آن می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت، رسانه‌های جمعی (خصوصاً برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای) بسیاری از راه‌های موجود در جامعه را به واسطه محتوای خود به ما آموزش می‌دهند.

«جرج گربنر» در نظریه کاشت معتقد است، رسانه‌ها و بالاخص تلویزیون در شکل دادن به نگرش‌ها، عقاید و رفتار تأثیرات اساسی دارند. نظریه‌پردازان این رهیافت، به تأثیر بلندمدت تلویزیون که به صورت تدریجی، آرام و غیرمستقیم بوده اما انباشته و معنادار عمل می‌کند، باور داشته و معتقدند که تماشای زیاد تلویزیون، گرایش‌ها را سازگار با جهت پیام‌های نمایش داده شده در آن پرورش می‌دهد. در فرض اصلی این تئوری، بین ساعات تماشای تلویزیون و واقعیت‌پنداری در برنامه‌های تلویزیونی ارتباط مستقیم وجود دارد؛ یعنی بینندگانی که ساعات زیادی را در روز به تماشای تلویزیون می‌نشینند، اطلاعات و ایده‌ها را طبقه‌بندی کرده و با تأثیر رسانه، چیزی را تولید می‌کنند که «پرورش» نامیده می‌شود. به عقیده گربنر، تلویزیون منبع معناداری از ارزش‌های عمومی، ایدئولوژی‌ها، عقاید قالبی و دیدگاه‌هاست (مهدی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱).

بنابراین، امروزه برنامه‌های تلویزیونی تأثیر بسیاری در جامعه‌پذیری افراد به‌ویژه کودکان دارند. حال اگر افراد به تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای بنشینند، با توجه به آن‌که زبان تصویر قادر است به راحتی ارزش‌ها و هنجارهایی را در جامعه تضعیف یا تقویت نماید، حتی می‌تواند بر قوانین حاکم در روابط بین انسان‌ها موثر باشد یا آن‌ها را تغییر دهد، این شبکه‌ها با ترویج نابهنجاری‌هایی از جمله: فردگرایی، مادی‌گرایی، آزادی‌های نامحدود و کامیابی به هر قیمت در جامعه، درصد هستند تا مخاطبان را به ارزش‌ها و هنجارهای مغایر با موازین دینی، سوق دهند.

۳-۱-۵. نقش و تأثیر ماهواره بر طلاق و سلامت معنوی زوجین و کودکان

بر اساس نظریه نیاز - انتظارات، هر موقعیت هنجارهایی دارد که صاحب موقعیت باید بر اساس آن عمل نماید و افرادی که با وی در کنش متقابل هستند نیز، از او توقع دارند بر اساس هنجارهای آن موقعیت عمل کند. عدم تحقق انتظارات، در حقیقت عدم تعادل بین خواسته‌ها می‌باشد. هرکدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی، اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات و توقعات مشخصی در مورد این‌که همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد، آغاز می‌نمایند. اگر این انتظارات برآورده نشود، ناراضی و پشیمان خواهند شد و در معرض آسیب‌های جدی نظیر طلاق قرار می‌گیرند، نفوذ برنامه‌های ماهواره‌ای باعث دگرگونی ارزش‌های سنتی و گاه ایجاد تضاد ارزشی در بین زوجین به‌واسطه تغییر ارزش‌ها در یکی از زوجین خواهد شد و در واقع انتظارات و توقعات و خواسته‌های آن‌ها را متفاوت کرده و احتمال نابهنجاری‌های مختلفی نظیر طلاق را افزایش خواهد داد.

عوارض و آثار زیان‌بار جسمی، اجتماعی، روانی و اخلاقی طلاق برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و حتی کلیت سازمان اجتماعی جامعه است؛ به‌گونه‌ای که بررسی‌های مختلف، رابطه نزدیک بین طلاق و برخی آسیب‌های فردی و اجتماعی نظیر جرم و بزهکاری، افزایش فقر، اعتیاد، فساد و فحشا، خودکشی، اختلالات روانی و شخصیتی، افسردگی و از بین رفتن هویت دینی افراد و نظایر آن‌را نشان داده‌اند و طلاق را موجد آن‌ها به‌شمار آورده‌اند. در واقع طلاق به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل ازم‌گسیختگی مهم‌ترین نهاد اجتماعی و اساس و پایه جامعه است (ملتقت و احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳).

طلاق، آسیب اجتماعی جدی و مهمی است که افزایش ناگهانی آمارهای آن‌را باید زنگ خطری برای جامعه دانست؛ زیرا با افزایش آسیب‌پذیری بنیان خانواده و بی‌ثباتی آن، آسیب‌های اجتماعی

دیگر نیز بروز و ظهور می‌یابند. از این‌رو موضوعی نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد. طلاق، پیامدهایی برای افراد خانواده و جامعه دارد. برای زن و مرد مشکلات اقتصادی، عاطفی، روانی و اجتماعی ایجاد می‌کند و زوج‌های متارکه کرده را به انزوا و افسردگی می‌کشاند. تأثیر طلاق بر فرزندان بسیار پیچیده و گسترده است که نه می‌تواند آن‌را درک کنند و نه تحمل کنار آمدن با آن را دارند. این فرزندان در معرض انواع آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که یکی از پیامدهای طلاق، افزایش نوع و میزان رفتارهای انحرافی است که باعث از بین رفتن سلامت معنوی زوجین و فرزندان به‌ویژه کودکان می‌گردد.

همان‌گونه که گفته شد، رسانه‌ها قادرند پدیده‌های جدید را در زمینه‌های مادی و معنوی در جامعه رواج دهند؛ مثل معرفی انواع کالاها، مصرفی یا موضوعات فکری مانند عقاید و افکار تازه یا روش‌های جدید زندگی. بسیاری از نظریه‌پردازان، دریافت و پخش مستقیم تلویزیونی از طریق ماهواره را عامل و تسهیل‌کننده تهاجم فرهنگی غرب، تخریب هویت‌های بومی به نفع فرهنگ مسلط آمریکایی و در نهایت یکسانی فرهنگی می‌دانند. بنابر نظر تعدادی از جامعه‌شناسان، ماهواره هرچند دارای کارکردهای مختلفی مثل اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و سرگرم‌کننده می‌باشد، بر خانواده تبعاتی داشته است که عبارت‌اند از: ۱. تخریب ساختار سنتی خانواده‌ها و افزایش طلاق در جوامع؛ ۲. تضعیف اخلاق در بین اعضای خانواده و جامعه؛ ۳. تقویت سبک زندگی مصرفی و متظاهرانه (سخایی، ۱۳۹۱، ص ۳-۴).

۴-۱-۵. تأثیر ماهواره در گسترش مصادیق بی‌بندوباری

امروزه با نقش شگرف رسانه در جوامع بشری و تأثیر آن در انتقال افکار و اطلاعات، باید توجه داشت، رسانه علاوه بر تأثیرات مثبت می‌تواند با تبلیغ فساد، جرم، هرزگی و خشونت، موجب افزایش جرایم و انحرافات در جامعه گردد.

در نگاه جرم‌شناسانه یکی از تأثیرات منفی رسانه، گسترش بی‌بندوباری در جامعه است که در دهه‌های اخیر با گسترش رسانه‌های جهانی و خارج از کنترل دولت‌ها، مانند ماهواره و اینترنت، این معضل در جامعه مصادیق بیشتری یافته است. از جمله مصادیق بی‌بندوباری می‌توان به فرار از خانه و روابط جنسی آزاد اشاره کرد که رسانه نقش بسیار موثری بر افزایش این آسیب‌ها و انحرافات دارد. تماشای مکرر بی‌بندوباری موجود در رسانه، باعث اختلافات خانوادگی، فشارهای روحی، اعتیاد، طلاق و... می‌گردد.

امروزه با گسترش و بین‌المللی شدن رسانه‌های جدید، اکثر آن‌ها برای جذب مخاطب، سود تجاری و سایر اهداف منفعت‌گرایانه، به ارائه تصاویر مستهجن می‌پردازند. برخی از این رسانه‌ها حتی صحنه‌های ارتباط جنسی را به‌طور آشکار تبلیغ می‌کنند! از جمله این رسانه‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی هستند که با نمایش عمل بزهکارانه، میل به ارتکاب جرم را تحریک می‌کنند، افکار نابهنجار را افزایش و روحیه تبهکاری را پرورش می‌دهند (معظمی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳)؛ درحالی‌که این اعمال و افکار، باعث از بین رفتن سلامت معنوی و هویت دینی افراد می‌گردد. در بسیاری از کشورها، انجام این اعمال و ارائه تصاویر آن جرم‌انگاری نشده است و تنها مصادیقی خاص همچون هرزه‌بینی کودکان با موانع قانونی همراه است. محققان معتقدند تماشای بی‌بندوباری، باعث قبول تجاوز بر خود، اجبار دیگران به فاحشه‌گری و تمایل به تجاوز به دیگران می‌شود، زیرا در نظر آنان این جرایم ناچیز محسوب می‌شوند. هم‌چنین این افراد به راحتی به انجام تجاوز و شکنجه دیگران می‌پردازند و حتی این عمل خود را جرم نمی‌دانند.

حال پس از بررسی عوامل از بین رفتن سلامت معنوی افراد، به پیامدهای منفی ماهواره بر اعتقادات و اخلاقیات کودک که در نهایت منجر به از بین رفتن سلامت معنوی و هویت دینی وی می‌گردد، می‌پردازیم.

۵-۱-۵. پیامدهای منفی اعتقادی، دینی و اخلاقی ماهواره بر کودکان

برنامه‌های نامطلوب ماهواره‌ای، بر مخاطبان خود بالاخص کودکان و نوجوانان، اثراتی چون اختلالات روانی، خشونت، عصبانیت، فراموش‌کاری، بی‌عاطفگی و احساس بیگانگی یا بی‌هویتی ایجاد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۷۳)، و باعث کاهش تعاملات واقعی می‌شود. به هر حال ماهواره به‌عنوان یک رسانه، بر مخاطبان خود تأثیر می‌گذارد و نمی‌توان انکار کرد که رسانه‌ها انواع گوناگونی از اطلاعات و محتوا (به‌ویژه هنجارها و ارزش‌ها) را منتقل می‌کنند.

شدت کاهش و افول هویت دینی کودکانی که بیشتر از شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنند، از دیگر هم‌سالان‌شان بیشتر است؛ این امر از آن‌روی صورت می‌گیرد که در شرایط جدید، منابع هویتی متکثر شده و از نواحی مختلف بر فرد تأثیر می‌گذارند. برخلاف گذشته که منابع هویتی محدود به محیط پیرامون افراد می‌شد، امروزه با گسترش رسانه‌های ارتباطی و فروریختن مرزهای هویتی، انسان مدرن با تکثر منابع هویتی مواجه شده و باید یک یا مجموعه‌ای از آن‌ها را برای خود برگزیند. شبکه‌های ماهواره‌ای با ارائه برنامه‌های گوناگون و متنوعی که از هر جا و به هر شکل ممکن

تهیه و ارائه می‌شوند، امروزه در واقع یکی از منابع هویتی در افراد (به‌ویژه جوانان) به‌شمار می‌روند. بنابراین استفاده از این برنامه‌ها، تأثیری منفی در هویت دینی افراد از جمله کودکان داشته و موجب می‌شود افراد در برابر شرایط جدید، دست‌کم دچار رکود در هویت دینی شده و هویت سابق را به نفع هویت برآمده از شرایط و سازوکارهای تازه، کنار گذارند یا دست‌کم دچار تغییرات و تحولاتی نمایند. در این صورت، فرد، میل و انگیزه‌ای برای رفتارهای دینی ندارد و در نهایت نسلی بدون هویت دینی و بی‌بندوبار تربیت خواهد شد.

۲-۵. راهکارهایی جهت جلوگیری از به خطر افتادن سلامت معنوی کودکان

در آیه ۶ سوره تحریم آمده است: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً»، به این معنا که خود و خانواده خود را از آتش ننگه دارید؛ از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسیدند و ایشان فرمودند: «آنان را به آن‌چه خداوند فرموده است، امر کنید و از آن‌چه خداوند از آن نهی کرده، نهی کنید؛ اگر تو را اطاعت کردند، آنان را حفظ کرده‌ای و اگر از تو سرپیچی کردند، آن‌چه برعهده تو بود را انجام داده‌ای» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۶، ص ۳۹۳). در تفسیر جوان آمده که این آیه، نگهداری خویش، به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش و نگهداری خانواده، به تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است (بیستونی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۶۲). هم‌چنین در تفسیر نمونه بیان شده است: حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آن‌ها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن، تغذیه جان و روح آن‌ها و به‌کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲۴، ص ۲۸۷).

در روایات دینی، پدر و مادر مسئول تربیت فرزندان معرفی شده‌اند. چنان‌چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «شما در مقابل یکدیگر مسئولیت دارید، مرد نسبت به خانواده و اهل‌بیت خویش نگهبان است و باید از آن‌ها محافظت کند (نوری طبسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۴). هم‌چنین در کتب فقهی بیان شده است: بر اولیا واجب است که کودکان را از آن‌چه بر ایشان مضر باشد و شارع تحقیق نیافتن آن را در خارج مهم دانسته باشد، منع نماید (عاملی جبعی، ۱۴۲۵، ج ۷، ص ۴۹/ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۵ - ۷۴). امام خمینی علیه السلام هم می‌نویسند: «بر ولی کودک لازم است که او را از آن‌چه موجب فساد اخلاق می‌شود، محافظت نماید، تا چه رسد به آن‌چه مضر به اعتقادات وی می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۳). حال که ماهواره‌ها هویت مذهبی کودکان و نوجوانان را نشانه گرفته و برنامه‌های این شبکه‌ها برای اعتقادات کودکان مضر است، باید

ضمن پرهیز از استفاده ماهواره، قبح آن برای فرزندان تبیین گردد، زیرا پرورش صحیح فرزندان بدون توجه به ایجاد فضای سالم و مناسب میسر نمی‌شود.

باب دوم از کتاب هشتم قانون مدنی ایران به مبحث «نگهداری و تربیت اطفال اختصاص یافته و در مواد ۱۱۰۴ و ۱۱۷۸ مستقیم به بحث تربیت اولاد و وظیفه والدین در این خصوص پرداخته شده است. در ماده ۱۱۰۴ مقرر شده است: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند». هم‌چنین در ماده ۱۱۷۸ آمده است: «ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند». در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ نیز حفظ سلامت جسمانی، روانی و اخلاقی کودک و حق او بر آموزش، از مؤلفه‌های تربیت به شمار می‌آید و از این حق به صراحت حمایت شده است. هم‌چنین حسب مواد ۲ و ۴ این قانون، برای متخلف از حقوق مذکور ضمانت اجرای کیفری قرار داده شده است.

در مصوبه سال ۱۴۰۰ شورای عالی فضای مجازی نیز در خصوص صیانت از کودکان و نوجوانان در این فضا، به تقویت دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه جهت تلاش برای شناسایی، پیشگیری و مقابله با وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، سوءاستفاده در تبلیغات و جرایم علیه خردسالان، کودکان و نوجوانان و دسترسی به خدمات و محتوای ناهنجار در فضای مجازی - که ماهواره‌ها را نیز می‌توان شامل آن دانست -، اشاره شده است. این مصوبه هم‌چنین تولید، ترویج و عرضه راهنمای اجرایی و عملیاتی مراقبت از فرزندان در فضای مجازی ویژه خانواده‌ها را از وظایف سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروی انتظامی و سازمان بسیج مستضعفین در حیطه مسئولیت‌های قانونی آن‌ها دانسته است.

حال نظر به این که هر انسانی دارای حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی پذیرفته شده است، لذا می‌توان گفت، حق تربیت نیز دو جنبه فردی و اجتماعی دارد؛ تربیت فردی به‌عهدده خانواده و تربیت اجتماعی افراد به‌عهدده نظام آموزش و پرورش و سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی است.

اسناد بین‌المللی به مسئله حق والدین بر تربیت کودک به صورت مجزا نپرداخته‌اند، اما در اسنادی که به این موضوع مهم توجه داشته‌اند، والدین مسئول اصلی آن معرفی شده‌اند. بر اساس بند ۱ ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «والدین یا قیم قانونی، مسئولیت اصلی برای رشد و پیشرفت کودک را برعهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آن‌ها منافع عالی‌ه کودک است». هم‌چنین در بند ۳ ماده کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، مسئولیت اصلی والدین در تربیت کودکان به صراحت

بیان شده است: «حق تقدم در انتخاب نوع آموزش فرزندان با والدین است» (پیوندی، ۱۳۹۰: ۵۲). حال بنابر مبانی بیان شده، وظیفه اصلی تربیت برعهده والدین است و با توجه به این که استفاده از برنامه‌های ماهواره می‌تواند عواقب و پیامدهای منفی متفاوتی داشته باشد که از آن جمله می‌توان به از بین رفتن قبح روابط غیراخلاقی در خانواده و سستی و از هم پاشیدن این نهاد، تغییر و دگرگونی هنجارها و ارزش‌های جامعه، ترویج فرهنگ مد و تجمل‌گرایی، عوارض روحی و روانی تماشای فیلم‌های مبتذل و مستهجن و رواج بی‌بندوباری اشاره نمود؛ در وهله اول وظیفه خانواده‌هاست که فرزندان خود را از رسانه‌های مخرب به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای دور سازند. علاوه بر آن که در جمهوری اسلامی ایران، استفاده از تجهیزات ماهواره قانوناً نیز ممنوع شده است و به نظر می‌رسد قانون‌گذار با بررسی عواقب منفی و ترجیح و اهمیت آن‌ها بر بعضی تأثیرات و استفاده‌های مفید ماهواره، به نحو کلی این وسیله را ممنوع کرده است. در ماده ۱ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره مصوب ۱۳۷۳ آمده است: «به موجب این قانون، ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات ماهواره جز در مواردی که قانون تعیین کرده، ممنوع می‌باشد».

بنابراین، باید توجه داشت که حفظ سلامت معنوی کودکان، وظیفه والدین است و خود خانواده در ابتدا باید فرزند را از استفاده ماهواره منع کند. در واقع، کودک حق برخورداری از تربیت ذهنی، روانی و معنوی دارد و روان کودک هم‌چون جسم وی نیازمند رشد و کمال است؛ لذا امنیت و مصونیت روان کودک از هرگونه تعارض و تجاوز، از جمله حقوق معنوی وی محسوب می‌شود که باید توسط خانواده‌ها رعایت گردد (نقیبی، ۱۳۸۲، ص ۷۷).

راهکارهای عملی برای خانواده‌ها در این خصوص را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱-۲-۵. بالابردن سواد رسانه‌ای

خانواده‌ها برای حفظ خود در مقابل چالش‌ها و پیامدهای مخرب ماهواره، باید سواد رسانه‌ای داشته باشند تا بتوانند اطلاعات دریافتی را ارزیابی نمایند. پذیرش صرف و بدون قضاوت منصفانه اطلاعاتی که ماهواره و رسانه‌ها در اختیار ما قرار می‌دهند، می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر خانواده‌ها به‌ویژه کودکان وارد نماید.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشورمان نیز آموزش سواد رسانه‌ای را حق نوجوانان دانسته که برعهده مسئولان است: «در جنبه فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف‌اند. لذا به طور کلی مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است و دولت نقش مکمل و ناظر

را برعهده دارد؛ ولی ایفای جنبه اجتماعی حق بر تربیت، باید با مسئولیت ارکان تربیت و همه نهاد‌های سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی، مسئولیت اصلی بر عهده حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند» (سند تحول، ۱۳۹۰، ۲۱۳). از این منظر می‌توان گفت، آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس، حق نوجوانان است که دولت باید آن را اجرایی نموده و خانواده‌ها نیز بر اساس آموزشی که می‌بینند، بر آن نظارت کنند.

۲-۲-۵. داشتن برنامه برای اوقات فراغت

شاید مهم‌ترین دلیل گرایش به برنامه‌های ماهواره‌ای، نداشتن برنامه هدفمند جهت گذراندن اوقات فراغت باشد که باعث می‌شود اعضای خانواده از جمله کودکان، بی‌هدف شبکه‌های ماهواره‌ای را تماشا کنند؛ پس لازم است برنامه‌های جذاب و مفرحی برای اوقات فراغت خود و فرزندان مان فراهم آوریم.

۲-۳-۵. صحبت با فرزندان در خصوص آسیب‌های ماهواره

گاهی والدین گمان می‌کنند که مسئولیت آموزش فرزندان صرفاً برعهده نهاد‌های دیگر مانند مدرسه و دانشگاه است و آنان دیگر وظیفه‌ای در این زمینه ندارند؛ درحالی‌که بهترین اشخاص برای صحبت با فرزندان در زمینه نحوه استفاده و آسیب‌های احتمالی ماهواره، والدین هستند. بنابراین، اگر ممنوعیت نصب ماهواره در منزل جوابگو نبود، باید با لحن و گفتاری متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی و سطح دانش فرزندان، با آنان صحبت کرد، زیرا استفاده از ماهواره حتی با گوشی هم امکان‌پذیر هست.

۲-۴-۵. گسترش ارتباطات دوستانه و اجتماعی

تعاملات خانوادگی و دوستانه نقش مهمی در رشد و تکوین آدمی دارد. زمانی که کودکان زمان بیشتری را با شبکه‌های ماهواره‌ای می‌گذرانند تا خانواده و دوستان، این ایجاد فاصله فیزیکی و روانی منجر به بروز آسیب‌های متعدد فردی و اجتماعی برای آنان است؛ بنابراین تعاملات با افراد دیگر، می‌تواند منجر به کاهش استفاده از ماهواره و آسیب‌های آن گردد. برای این امر، راه‌های دیگری از جمله فیلترگذاری، پارازیت‌گذاری و سیگنال‌ها و جرم‌انگاری توسط حاکمیت نیز وجود دارد، ولی راه‌حل مناسب‌تر، فرهنگ‌سازی در خانواده‌ها و در اجتماع و ایجاد بستر مناسب فکری برای استفاده صحیح از ماهواره است. هم‌چنین رسانه‌های جمعی کشور به‌ویژه صدا و سیما، باید با برنامه‌ریزی‌های مناسب، شرایطی را فراهم آورند که کودکان و نوجوانان از استفاده ماهواره بی‌نیاز شوند.

۶. نتیجه‌گیری

ماهواره، قدرت فرهنگی عظیمی را دربر دارد که تأثیر شگرفی بر تصمیم‌گیری‌ها و سبک زندگی افراد می‌گذارد. به موازات تحولات و تغییرات در شرایط زندگی، ماهیت و قدرت وسایل ارتباطی نیز تحول پیدا می‌کند. بیشتر شبکه‌های ماهواره‌ای، هدفی جز تسخیر روح و روان انسان‌ها و تخریب، انحطاط و انحراف فرهنگ‌ها و آداب و رسوم آن‌ها ندارند. به میزان استفاده بیشتر از شبکه‌های ماهواره‌ای، از شدت هویت دینی فرد کاسته خواهد شد و بالعکس. این امر، از آن‌روی صورت می‌گیرد که در شرایط جدید، منابع هویتی متکثر شده و از نواحی مختلف بر فرد تأثیر می‌گذارند.

بنابراین، استفاده از برنامه‌های ماهواره، تأثیری منفی در هویت دینی افراد به‌خصوص کودکان داشته و موجب می‌شود افراد در برابر شرایط جدید، دست‌کم دچار رکود در هویت دینی شده و هویت سابق را به نفع هویت برآمده از شرایط و سازوکارهای تازه، کنار بگذارند یا حداقل دچار تغییراتی نمایند. مشاهده زیاد تلویزیون و ماهواره نگرشی را پرورش می‌دهد که با این رسانه‌ها هماهنگ است نه با واقعیات؛ در واقع، کسانی که از ماهواره استفاده نمی‌کنند، بیشتر باورها و هویت دینی خود را حفظ کرده‌اند. تقلیل در دین‌داری، باعث گسترش بی‌بندوباری و رواج بسیاری از محرّمات الهی در جامعه است. در دهه‌های اخیر با گسترش رسانه‌های جهانی و خارج از کنترل دولت‌ها، مانند ماهواره و اینترنت، این معضل در جامعه مصادیق بیشتری یافته است و باید با فرهنگ‌سازی توسط نهادهای مسئول، و هم‌چنین با کمک خود خانواده‌ها، استفاده از ماهواره منع شود.

محمل ماهواره در ایران، خانواده‌ها و بیشترین اثر و آسیب‌های آن نیز متوجه این مهم‌ترین نهاد و بنیان نظام اجتماعی است. بنابراین، با توجه به روایات که می‌فرمایند «بر والدین واجب است، کودکان را از هر آنچه مضر می‌باشد، منع نمایند» و مبانی فقهی و قانونی موجود در این زمینه از یک‌سو، و پیامدهای منفی ماهواره بر سلامت معنوی کودک از سوی دیگر، ضروری است که خانواده‌ها برای حفظ و صیانت از هویت دینی و سلامت معنوی خود و فرزندان‌شان، از تماشای برنامه‌های مخرب شبکه‌های ماهواره‌ای پرهیز کنند.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. اسفندیار، سرور، خانواده در کوچه پس‌کوچه‌های اینترنت؛ چ ۱، تهران: پیام زن، ۱۳۸۶.
 ۲. برازش، علیرضا، تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۱۶، چ ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴.
 ۳. بیستونی، محمد، تفسیر جوان، ج ۵، چ ۲، تهران: بیان جوان، ۱۳۸۲.
 ۴. پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
 ۵. حسینی، نگین، جنگ تلویزیونی برای کودکان، چ ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵.
 ۶. خراسانی، علیرضا، ابزاری بین‌المللی برای جرم، چ ۱، تهران: روزنامه جام جم، ۱۳۸۱.
 ۷. سخایی، ایوب، «بررسی رابطه میزان و نوع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان با مناسبات خانوادگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی تهران، ۱۳۹۱.
 ۸. شفق‌تی، مهدی، کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی، چ ۱، تهران: مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
 ۹. طالبان، محمدرضا، خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی، چ ۱، تهران: نامه علوم اجتماعی، ۱۳۷۸.
 ۱۰. طباطبایی، صادق، طلوع ماهواره و افول ارزش‌ها، چ ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۷.
 ۱۱. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی مع تعلیقات عدة من الفقهاء، ج ۳، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
 ۱۲. عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۷، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۵ق.
 ۱۳. عباسی، محمود، سلامت معنوی در مراقبت‌های نگهدارنده پایان حیات در نظام سلامت، اخلاق پزشکی، ۸(۳۰)، ۹۹-۱۳۳، ۱۳۹۳.
 ۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چ ۳۸، تهران: ناشر امیرکبیر، ۱۳۹۰.
 ۱۵. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، چ ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵.
 ۱۶. کرومبولتز، جان.دی، کرومبولتز، هلن.بی، تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه یوسف کریمی، چ ۱۲، تهران: فاطمی، ۱۳۸۲.
 ۱۷. کریمی، عبدالعظیم، کودک، تربیت، زندگی، تهران: عابد، ۱۳۷۸.

۱۸. کوپر. ال، اینترنت و کمین اخلاقی نیمه پنهان قدرت، ترجمه حمید مرتضوی و بتول جباریان، چ ۱، تهران: دانژه، ۱۳۸۸.
۱۹. گولد، جولیوس، کولب، ویلیام، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چ ۳، تهران: مازیار، ۱۳۹۲.
۲۰. گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، چ ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
۲۱. مرزبند، رحمت‌الله، زکوی، علی‌اصغر، شاخص‌های سلامت معنوی از منظر آموزه‌های وحیانی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۶ (۲۰)، ۶۹-۹۹، ۱۳۹۱.
۲۲. معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، چ ۲، تهران: دانشکده علامه طباطبایی، ۱۳۷۲.
۲۳. معظمی، شهلا، فرار دختران چرا؟، چ ۱، تهران: گرایش، ۱۳۸۲.
۲۴. معین، محمد، فرهنگ معین، چ ۳، تهران: زرین، ۱۳۸۶.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، چ ۱۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.
۲۶. مک کوایل، دنیس، درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲.
۲۷. ملتفت، حسین، احمدی، حبیب، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۳ (۵)، ۱۵۲-۱۶۸، ۱۳۸۷.
۲۸. امام) موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۲-۸-۱۹-۲۰، چ ۵، تهران: نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰.
۲۹. مهدی‌زاده، شراره، تلویزیون، مخاطب و نگرش نو، چ ۱، تهران: جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۴.
۳۰. مهرداد، هرمز، نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، چ ۱، تهران: فاران، ۱۳۷۹.
۳۱. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، بیروت: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸.
۳۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۳۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۳۴. قانون مدنی.
۳۵. قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره.
۳۶. کنوانسیون حقوق کودک.
۳۷. مصوبه شورای عالی فضای مجازی در خصوص صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی.

Criticizing the role of satellites on the child's right to spiritual health and providing a solution

Anis Asadi
Faezeh Azimzadeh

Abstract

Satellite television channels are considered to be one of the most important tools used by the enemies of spirituality, religion and freedom in the world, which are set up with the aim of influencing the beliefs, thoughts and behavior of religious people, promoting Western character and culture, secularism and laying the groundwork for accepting their sovereignty and supremacy over the world. The use of advanced technologies in the programs of satellite networks and increasing their attractiveness has caused children and teenagers to turn to behaviors and anomalies contrary to the values of their society. Through these programs, Western countries have targeted various dimensions of religious, cultural, social, political, etc. identity of our children; But the most important dimension is religious identity, which affects other dimensions as well. Although Western countries pursue these goals in all countries, they have a special focus on independent countries with an Eastern civilizational background, especially on Muslim countries. The basic questions of this research are based on what are the effects and consequences of satellite on children's spiritual health? And due to the fact that with the weakening of the family foundation, the mental health and consequently the spiritual health of the child is also endangered, the effect of the satellite in this matter has been evaluated and finally, solutions to prevent the spiritual health of children from being endangered, which is the rights of the children. And it is the homework of parents and society, it is presented. In this research, with the document-library method and also with content analysis, these results were obtained that the use of satellite programs has a negative effect on the religious identity of people, especially children, and causes people to at least experience stagnation in their religious identity in the face of new conditions. Abandon the former identity in favor of the identity arising from new conditions and mechanisms or undergo changes and transformations. Therefore, it is necessary for the family and society to prohibit the use of satellites.

Keywords: mass media, promotion of prostitution, spiritual health, mental health, satellite.